

نامه دوم لنین به ماکسیم گورکی



آکسی ماکسیمیچ عزیز

تونکوف^(۱) را ملاقات کردم. حتی پیش از دیدار او و دریافت نامه ی تو، در کمیته ی مرکزی تصمیم گرفته بودیم کامنف و بوخارین را مأمور کنیم به وضع روشنفکران بورژوای هوادار کادیت^(۲) که دستگیر شده اند برسند و تا آنجا که ممکن است آنها را آزاد کنند؛ چون برایمان روشن است که در این مورد اشتباهاتی هم صورت گرفته.

واضح است که در مجموع، اکثر دستگیرشدگان از افراد کادیت (و هوادارانشان) بوده اند و این عملی درست و ضروری بوده.

وقتی اظهار نظر شدید اللحن تو را در باره ی این موضوع می خواندم به یاد گفته ی خودت افتادم که از صحبت هایمان [در لندن، کاپری و بعد از آن] به خاطر ممانده بود:

ما هنرمندان افراد بی مسوولیتی هستیم

واقعیاً! تو این عبارت خشمناگین را در باره‌ی چه چیزی بر زبان می‌آوری؟ در باره‌ی چند دوجین (یا شاید هم صدتانی) اشراف زاده‌ی کادتی یا هوادار کادت که چند روزی به زندان افتاده اند تا از توطئه هانی چون محاصره‌ی کراسنایا گورکا که جان ده‌ها هزار کارگر و دهقان را تهدید می‌کند جلوگیری شود؟

حقا که فاجعه است! چه بی‌عدالتی بزرگی! چند روز یا حتی چند هفته زندان برای روشنفکران، به این خاطر که از کشتار ده‌ها هزار کارگر و دهقان جلوگیری شود!

هنرمندان افراد بی مسوولیتی هستند

خطا است که نیروی روشنفکری خلق را در نیروی روشنفکران بورژوا ادغام کنیم. از نیروهای روشنفکران بورژوا، برای نمونه کورولنکو^(۳) را مثال می‌زنم. اخیراً جزوه‌ی جنگ، میهن، و بشریت او را که در ماه اوت ۱۹۱۷ نوشته می‌خواندم. توجه کن، کورولنکو یکی از بهترین «هواداران کادت‌ها» و تقریباً منشویک است. اما چه اثر مکارانه‌ی! دفاع شرم آور از جنگ امپریالیستی در پس عبارات شیرین و فریبنده! آدم هرزه‌ی حرامزاده‌ی که غلام حلقه به گوش تعصبات بورژوازی است! برای چنین حضراتی کشتن ده میلیون نفر در یک جنگ امپریالیستی به توجیهش می‌آورد (با شگردهائی همراه با عبارت شیرین «علیه» جنگ). اما مرگ صدها هزار نفر در یک جنگ به حق داخلی علیه زمینداران و سرمایه‌داران، آه از نهادشان بر می‌آورد و اشک و آه و ناله‌های دیوانه و ارشان را بلند می‌کند.

خیر، به این جور «استعدادها» اگر چند هفته‌ی را در زندان بگذرانند، هیچ‌گونه آسیبی وارد نمی‌شود، به خصوص که با این کار از توطئه‌ها (مانند کراسنایاگورکا) و مرگ ده‌ها هزار نفر جلوگیری می‌شود. ما که این توطئه‌های کادت‌ها و

هواداران شان را افشا کردیم می دانیم که پروفیسورها به اغلب توطئه گران یاری می رسانند. بله، این واقعیتی است.

نیروهای روشنفکری کارگران و دهقانان رشد پیدا می کنند و در روند مبارزه قدرت بدست می آورند تا بورژوازی و نوچه هایش، پادوهای روشنفکری سرمایه را سرنگون کنند. همان کسانی را که تصور می کنید تنها مغزهای متفکر ملت هستند. حقا که نه فقط مغز متفکر نیستند، بلکه...

ما به نیروهای روشنفکری که در صددند علم را به میان مردم ببرند (و مانند نوکران سرمایه عمل نکنند) سالیانه بی بیش از حد معمول می پردازیم. این هم واقعیتی است.

من به روحیات و خفیات تو واردم و همه‌ی موارد را می توانم به خوبی درک کنم (زیرا سنوالاتی مطرح می کنی که از خلال شان می توانم کاملاً افکارت را بخوانم) در کاپری و بعد از آن، بارها بهت گفته ام: اجازه می دهی بدترین عناصر محافل روشنفکری بورژواها دورت را بگیرند و در برابر عجز و لابه‌ی آنها سر تسلیم فرود می آوری. به زوزه‌ی صداها روشنفکر که از دستگیری «وحشتناک» این چند هفته فغان شان به آسمان رسیده گوش می دهی، اما صدای توده‌ها، صدای میلیون‌ها کارگر و دهقان را نمی شنوی و به فردیاشان گوش نمی دهی که توطئه گران دنیکیان، کلچاک، لیانوزوف، رودژیانکو، کراسنایاگورکا [و سایر کادت‌ها] تهدیدشان می کند. کاملاً می فهمم و خوب هم می فهمم که با این حساب، آدم نه تنها می تواند بنویسد که «سرخ‌ها به اندازه‌ی سفیدها دشمن مردمند» (مبارزان طریق سرنگونی سرمایه داران و زمینداران، به همان اندازه‌ی زمینداران و سرمایه داران دشمن مردم اند)، بلکه می تواند به رحیم بودن آسمان یا پدر ما، تزار هم معتقد باشد. می فهمم و خوب هم می فهمم.

*

*

*

نه، واقعاً اگر خودت را از این محیط روشنفکران بورژوا بیرون نکشی مدفون خواهی شد. از ته قلب آرزو می‌کنم که هر چه زودتر به این عمل دست بزنی.

با بهترین آرزوها

لنین

زیرا چیزی نمی‌نویسی! آیا برای هنرمند که وقتش را صرف آه و ناله‌ی روشنفکران فاسد می‌کند و چیزی نمی‌نویسد شرم آور نیست؟ تباهی نیست؟

نوشته شده در ۱۵ سپتامبر ۱۹۱۹

ارسال به پتروگراد

در مجموعه‌ی آثار به زبان انگلیسی، ج ۴۴ ص ۸۴-۲۸۳



نکته‌ی بسیار جالب این است که سه چهار ماه پس از این تاریخ، گورکی در مقاله‌ی بی‌مدح‌ترین پرداخت و از جمله او را «نیکوترین انسانی» خواند «که جهان تا به امروز به خود دیده» و نوشت «لنین، شخصیتی حقیقی است که تدریجاً به موجودی اساطیری مبدل شده». لنین که دشمن فردپرستی بود از مشاهده‌ی این نوشته که به عنوان سرمقاله، در شماره‌ی ۱۲ مجله‌ی انترناسیونال کمونیست به چاپ رسیده بود سخت به خشم آمد و حاصل آن پیشنهاد زیر بود که تسلیم دفتر سیاسی حزب کرد:

به اعضای دفتر سیاسی امضای [این طرح را] پیشنهاد می‌کنم:

دفتر سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب، انتشار مقالات گورکی در شماره ۱۲ انترناسیونال کمونیست و به خصوص سرمقاله‌ی آن را نابجا می‌داند، این مقالات نه فقط حامل هیچ پیام کمونیستی نیست، بلکه دارای بسیاری نکات ضدکمونیستی نیز هست. به هیچ وجه در آینده نباید مقالاتی از این دست در انترناسیونال کمونیست به چاپ رسد.

لنین

۳۱ ژوئیه ۱۹۲۰

طرح، به جز لنین، به امضای تروتسکی، کرستینسکی، و کالنین نیز رسیده است.

زیر نویس ها:

۱- ولادیمیر نیکلایویچ تونکوف [۱۹۵۴- ۱۸۷۲] متخصص علم تشریح، از سال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۵ آکادمی پزشکی نظامی را اداره کرده است. بارها لنین را ملاقات کرده و با او در باره ی شرایط زندگی بهتر دانشمندان گفتگو کرده است.

۲- کادت یعنی حزب دموکرات. مشروطه طلب. این حزب که حزب عمده ی بورژوازی روسیه و در واقع حزب بورژوازی لیبرال سلطنت طلب بود در اکتبر سال ۱۹۰۵ تأسیس شد. کادت ها که دموکراتیسم جعلی را وسیله ی استتار خود قرار داده و حزب شان را حزب «آزادی خلق» نامیده بودند می کوشیدند دهقانان را به سوی خود جلب کنند. کادت که هدفش حفظ تزاریسیم به شکل سلطنت مشروطه بود بعدها به حزب بورژوازی امپریالیستی تبدیل شد. پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر، کادت ها بر ضدجمهوری و انقلاب اقدام به توطئه ها و شورش های متعدد کردند.

۳- ولادیمیر گالاکینوتوویچ کوروکنکو [۱۹۲۱- ۱۸۵۳] نویسنده و روزنامه نگار روسی.

ترجمه: ج. پوینده

منبع: کتاب جمعه، سال ۱۳۵۹

بازنویس: یاشار آذری

آدرس انترنتی کتابخانه: <http://www.javaan.net/nashr.htm>

آدرس پستی: **BM Kargar, London WC1N ۳XX, UK**

ایمیل: yasharazari@netscape.net

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۸۲/۱/۱